[خطبه‌ی اول 2](#_Toc456595325)

[تاکید اسلام بر دو اصل محبت و ابراز آن در محیط خانواده 2](#_Toc456595326)

[اهمیت اظهار علاقه از نگاه نبی اکرم(ص) 2](#_Toc456595327)

[فلسفه‌ی اظهار محبت در فرزندان 3](#_Toc456595328)

[جامعه و خانواده‌ی مورد نظر اسلام 3](#_Toc456595329)

[دشمنی با خدا و دستورات او خط قرمز محبت و دوستی 3](#_Toc456595330)

[خط قرمز محبت و اظهار علاقه به فرزند در داستان حضرت نوح7 4](#_Toc456595331)

[خط قرمز محبت و اظهار علاقه به خویشاوندان در داستان حضرت ابراهیم7 4](#_Toc456595332)

[دشمن خدا بودن، خط قرمز روابط اجتماعی و خانوادگی مومنین 5](#_Toc456595333)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc456595334)

[خطبه‌ی دوم 7](#_Toc456595335)

[عدم غفلت از مرگ و ذکر دائمی آن 7](#_Toc456595336)

[شگفتی از غفلت انسان از مرگ 7](#_Toc456595337)

[عبرت از مرگ دیگران 8](#_Toc456595338)

[مردگان بی‌اختیار 8](#_Toc456595339)

[مردگان بی‌نام و نشان 9](#_Toc456595340)

[آبادانی‌ها و عزیزان وحشتناک 9](#_Toc456595341)

[ارزیابی شخصی همه‌ی مومنین در آخر سال 9](#_Toc456595342)

[عید، روز بدون گناه 10](#_Toc456595343)

[عید، روز نو شدن 10](#_Toc456595344)

[خودارزیابی سال گذشته‌ی مسولین 11](#_Toc456595345)

[ارزیابی شخصی همه‌ی مومنین 11](#_Toc456595346)

[دوری از خرافات و پایبندی به آداب و رسوم مورد پسند اسلام 11](#_Toc456595347)

[ویژگی‌های جامعه‌ی زنده و مرده 11](#_Toc456595348)

[اهمیت انتخابات مجلس شورای اسلامی 12](#_Toc456595349)

[دعا 12](#_Toc456595350)

# خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ** (**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

ضمن عرض تسلیت ایام پایانی ماه صفر و ایام عزاداری سید و سالار شهیدان، همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی و اخلاص در اعمال و عزاداری و سوگواری سالار شهیدان سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا تو را به مقربان درگاهت و به سالار شهیدان سوگند می‌دهیم، همه‌ی ما را از بندگان پارسا و شاکر و ذاکر خود مقرر بفرما.

## تاکید اسلام بر دو اصل محبت و ابراز آن در محیط خانواده

عرض کردیم که اسلام، در فضای خانواده و در روابط خانوادگی و در ارتباط پدر و مادر با یکدیگر و با فرزندان بر دو اصل تأکید دارد؛ یکی وجود محبت و علاقه میان افراد خانواده و دومی، اظهار این علاقه و محبت به آن‌هاست. در روابط اجتماعی هم اسلام روی این تأکید دارد که انسان مؤمن کسی است که علائق و محبت خود را نسبت به دیگران اظهار کند. با اخلاق خوب برخورد می‌کند و عاطفه‌ی خود را اظهار می‌کند. این مورد تأکید اسلام است. اصلاً مؤمن کسی است که در روابط خود با انسان‌ها چهره‌ی بشاشی دارد؛ روابط پر عاطفه و محبت‌آمیزی دارد. صرف وجود علاقه و دوستی میان اعضای خانواده، کافی نیست. اسلام بر اظهار دوستی‌ها و ابراز محبت و عاطفه به دیگران مخصوصا به کودک و نوجوان تأکید دارد.

## اهمیت اظهار علاقه از نگاه نبی اکرم(ص)

ملاحظه کردید که این اظهار علاقه در اسلام آن قدر ارزشمند تلقی شده بود که اگر کسی طبق آن روایتی که از نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) نقل شده بود که فرمودند: کسی که فرزند یا فرزندان فرزند خود را خوشنود کند، خداوند او را در قیامت خشنود خواهد کرد و کسی که محبت خود را نسبت به بچه‌ها و فرزندان خود اظهار نکند، از رحمت خدا دور است. پدر و مادر که ارکان اصلی خانواده هستند، طبیعتاً به اعضای خانواده، علاقه و محبت دارند که مورد تاکید اسلام است؛ اما اسلام که به ابراز علاقه به صورت درست تأکید دارد. با رشته محبت است که می‌توان نوجوان و کودک و انسان‌های دیگر را هدایت کرد راهنمایی کرد و نیاز طبیعی آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

## فلسفه‌ی اظهار محبت در فرزندان

همان طور که عرض کردم فرزندان غیر از نیاز جسمی، نیازهای روحی و عاطفی دارد و با اظهار محبت و نوازش، هم رشد پیدا می‌کند و هم راهی است که او حرف شما را بشنود. شما با محبت، پنجره‌ای و دریچه‌ای به روی این فرزندان و به عالم درون آن‌ها، باز می‌کنید. این پنجره که باز شد او هم حرف‌های درست تو را خواهد شنید. این فلسفه‌ی مهم اظهار محبت است که از وظایف مهم خانوادگی است. اینکه در حدیث دیگری آمده بود که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) هر صبحگاه که از خواب بیدار می‌شدند، دست نوازش بر سر بچه‌های کوچک خانه، می‌کشیدند و آن‌ها را مورد مهر و محبت و علاقه‌ی خویش قرار می‌دادند. پیامبر اکرم(ص) یک راه و روش تربیتی را به انسان‌ها آموزش می‌دهد که با این راه فرزندان، هم از عقده‌ها دور می‌شوند؛ احساس شخصیت می‌کنند؛ عواطف روحی آن‌ها پاسخ داده می‌شود و هم بستر و زمینه‌ای برای تربیت آن‌ها ایجاد می‌شود. این فلسفه‌ی اظهار محبت و علاقه است.

## جامعه و خانواده‌ی مورد نظر اسلام

پس محبت و اظهار محبت و دوستی و اظهار عواطف، نسبت به اعضای خانواده و محیط اجتماعی، از اصول مورد تأکید اسلام است. جامعه‌ی اسلامی، این طور جامعه‌ای است. خانواده‌ و جامعه‌ی اسلامی به گونه‌ای است که به یکدیگر علاقه‌مند هستند و یک‌دیگر را دوست دارند و دوستی و عواطف قلبی خود را با شیوه‌های درست، اظهار می‌کنند. اسلام این را می‌پسندد. اسلام جامعه‌ای را می‌پسندد که دل انسان‌ها نسبت به یکدیگر مهربان و دوستدار و علاقه‌مند به هم باشند و این دوستی و علاقه را ابراز کنند.

## دشمنی با خدا و دستورات او خط قرمز محبت و دوستی

اما دو تا قید اینجا وجود دارد. یکی اینکه این اظهار علاقه و محبتی و دل‌سوزی که وجود دارد و باید آن را ابراز کرد، باید در محدوده فرمان الهی باشد. جایی که با فرمان خدا مقابله پیدا می‌کند، نباید دل‌سوزی کرد. قبلاً به داستان جالب رابطه‌ی نوح با فرزندش، اشاره کردم. آیات مربوط به رابطه‌ی نوح با فرزند ناصالح خود، در سوره‌ی هود آمده است. چندین آیه در ارتباط با رابطه‌ی نوح پیامبر آمده است.

## خط قرمز محبت و اظهار علاقه به فرزند در داستان حضرت نوح(ع)

این پیامبر بزرگ الهی که قرآن می‌فرماید: (**سَلامٌ عَلى‏ نُوحٍ فِي الْعالَمين**)[[4]](#footnote-4)‏ خداوند بر پیامبر عظیم الشأنی مثل نوح درود مطلق می‌فرستد. در اینجا نسبت به فرزند حضرت نوح دو نکته وجود دارد. یکی اینکه خوب حضرت فرمود: (**يا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنا**)[[5]](#footnote-5)‏ خیلی دوست داشت که فرزندش را نجات دهد. با مهربانی و با بیانی نرم، با خطابی از سر دوستی و مهر و محبت، فرزند خود را صدا می‌کند: (**يا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنا**)[[6]](#footnote-6)‏ بیا سوار کشتی شو تا از دست طوفان و از چنگال بلای الهی رهایی پیدا کنی. ولی وقتی هم فرمان خدا روشن شد، حضرت فرمود: من تسلیم هستم. خدا که فرمود: (**إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِك**)[[7]](#footnote-7)‏ ‏دیگر امیدی به هدایت فرزند تو نیست و تو باید روابط خود را با او قطع کنی و دلت را از این فرزند ناصالح ببُری؛ فرمود: (**إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجاهِلين‏**)[[8]](#footnote-8)‏ به خدا پناه می‌برم که از جاهلین باشم. جاهل یعنی اینکه انسان در برابرفرمان خدا بایستد. کسی که علاقه‌ها و محبت‌های شخصی خود را بر فرمان و دستور خدا ترجیح دهد، جاهل است. مبدأ عالم و مبدأ خلقت و صاحب حق این عالم و عالی‌ترین محبوب انسان، خداست. اگر کسی بخاطر فرزند یا هر چیز دیگری از تعلقات دنیا، در برابر خدا قد علم کند، فرمان خداوند را زیر پا بگذارد، جاهل است. قرآن تأیید می‌کند که حضرت نوح، تا آن‌جایی که راه داشت دل‌سوزی کرد. تا آن‌جا که امکان داشت فرزند خود را به مهر و محبت، به رهایی از عذاب الهی دعوت کرد؛ اما وقتی که فرمان خدا آمد که (**إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِك**)[[9]](#footnote-9)‏؛ او دیگر فرزند تو نیست و امکان هدایت و رستگاری برای او متصور نیست، حضرت نوح هم از فرزند خود دل کَند. در قصه‌ی حضرت ابراهیم و اسماعیل هم همین طور.

## خط قرمز محبت و اظهار علاقه به خویشاوندان در داستان حضرت ابراهیم(ع)

در روابط انسان با پدر یا با خویشاوندان دیگر هم همین طور است. در سوره‌ی توبه در رابطه‌ی حضرت ابراهیم با آذر آمده است. البته بنابر آنچه که از روایات و تفاسیر استفاده می‌شود آذر، پدر ابراهیم نبود و نسبت خویشاوندی با آذر که مثلاً عموی او یا نوع دیگری از نسبت‌ها داشت، بین مفسرین اختلاف نظر است؛ اما ظاهراً پدر حضرت ابراهیم نیست. به هر حال حضرت ابراهیم برای همه دل می‌سوزاند؛ محبت داشت و دعا می‌کرد، اما در قرآن کریم این طور می‌آید: (**فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْراهيمَ لَأَوَّاهٌ حَليم‏**)[[10]](#footnote-10)‏ .

در ارتباط با فرزند، حضرت نوح دل‌سوزی کرد؛ محبت داشت و تا آخر همراهی کرد. در آخرین لحظاتی که زمین و زمان آماده‌ی طوفان نوح می‌شد و در اثر بارش آب از زمین و آسمان، غیر از آن کسانی که سوار کشتی بودند آماده‌ی غرق شدن می‌شد، حضرت نوح تا آخر هم دل سوزاند تا فرزند خود را نجات دهد. درستش هم همین است؛ یعنی تا آن‌جا که امکان دارد انسان باید محبت خود را ابراز کند؛ دل‌سوزی کند؛ علاقه‌مند باشد؛ تعقیب کند؛ پیگیری کند تا نوجوان و جوان و فرزندش را نجات دهد و هدایت کند. حضرت نوح تا آخر پای این کار ایستاده بود و صدا می‌زد: (**يا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنا**)[[11]](#footnote-11)‏ اما وقتی دید همه‌ی نشانه‌های امید قطع شده و هیچ راه امیدی برای فرزندش نیست و خدا فرمود: (**إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِك**)[[12]](#footnote-12)‏ دل برید و دل به خدا سپرد و با فرمان خدا، حرکت کرد.

حضرت ابراهیم(ع) هم نسبت به اسماعیل به یک شکلی همین طور بود. وقتی که دید فرمان خداست، چاقو پای گردن عزیزترین محبوب خود گذاشت. نسبت به آذر که عموی او یا سرپرست او بود و باز به او علاقه داشت و برای نجات او دعا می‌کرد و وعده داده بود که من برای نجات تو استغفار می‌کنم؛ اما (**فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ‏**)[[13]](#footnote-13)‏

## دشمن خدا بودن، خط قرمز روابط اجتماعی و خانوادگی مؤمنین

وقتی که فهمید که شخص دشمن خدا و فرمان خداست (**تَبَرَّأَ مِنْهُ ‏**)[[14]](#footnote-14)‏ اینجا باید مرز را از او جدا کرد. این یک قاعده است. این خیلی قانون مهمی هم در روابط خانوادگی و هم روابط اجتماعی است. انسان مؤمن مرزی که با دیگران دارد دشمنی با خداست. هر جا برای انسان مؤمن معلوم شد که در فرد مقابل، دشمنی با خدا بروز پیدا کرده رشته‌های محبت خود را با او قطع می‌کند و نوع رابطه او با آن‌ها رابطه‌ی دیگری می‌شود. نمونه‌هایی هم در این رابطه از قرآن کریم ذکر شد.

## نتیجه‌گیری

پس این دو اصل را ما باید بدانیم که محبت خدا باید بر همه چیز حاکم باشد. اگر جایی فرمان خدا آمد، باید دوستی‌ها را قربانی کرد؛ مثل ابراهیم و اسماعیل(علیهما السلام) اگر کسی رشته‌ی رابطه‌ی خود را با خدا قطع کرد، ولو فرزند نوح باشد، رابطه‌ی خود را قطع می‌کند؛ ولو سرپرست ابراهیم باشد که این قدر ابراهیم به او علاقه داشت؛ اما وقتی که معلوم شد که او دشمن خداست، از او بیزاری جست و رابطه‌ی خود را با او قطع کرد. فرمان خدا، محبت خدا، دستورات خدا، خط قرمز است. در محبت به فرزند، اظهار علاقه‌ی به فرزند یا دیگران، دوستان، همسر، خویشان، علاقه‌مندی شما و اظهار دوستی، فرمان خداست. این دستور تربیتی اسلام است؛ اما این دو تا خط قرمز دارد. یکی فرمان خدا و امر خدا و روشن شدن دشمنی با خداست که باید رابطه را قطع کرد. یک خط قرمز دومی هم وجود دارد که ان‌شاء‌الله هفته‌ی آینده عرض خواهم کرد.

خدا ان‌شاء‌الله به همه‌ی ما توفیق عمل به وظایفمان را در همه‌ی عرصه‌هاعنایت بفرماید.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[15]](#footnote-15)**

صدق الله العلی العظیم.

# خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[16]](#footnote-16)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

جمله‌ای در توصیه‌ی به تقوا از خطبه‌‌های حضرت امیر(ع) و در آخرین هفته‌ی سال محضر شما تقدیم می‌کنم.

## عدم غفلت از مرگ و ذکر دائمی آن

امیرالمؤمنین(ع) در خطبه 188، مانند بسیاری از خطبه‌ها و کلمات دل‌نشین خود این طور ما را به تقوا و پارسایی دعوت می‌کند. مردم! **«وَأوصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلاَلِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ»[[17]](#footnote-17)** اینها سروش رحمانی و دعوت آسمانی امیرمؤمنان(ع) در توصیه‌ی به تقواست و امیدوارم که همه‌ی ما بتوانیم به درستی، این سخن و فرمایش را بشنویم و آویزه‌ی گوش و آمیزه‌ی قلبمان کنیم. مردم شما را به یاد مرگ توصیه می‌کنم. شما را به کاستن از غفلت از مرگ سفارش می‌کنم. طبع بشر و زندگی روزمره این است که انسان را از مرگ، غافل می‌کند. امیرالمؤمنین(ع) همواره توصیه کرده و اینجا هم به یاد مرگ توصیه می‌کند.

## شگفتی از غفلت انسان از مرگ

**«وَكَيْفَ غَفْلَتُكُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفِلُكُمْ»[[18]](#footnote-18)** شگفتا؛ چگونه شما غافلید از چیزی که از شما غافل نیست. مرگ سایه‌ی شما را تعقیب می‌کند و مرگ گام به گام شما را دنبال می‌کند. وقتی که این طور سربازی پیگیر مرگ شماست؛ در آشکار و نهان شما را تعقیب می‌کند؛ شگفتا که شما از این سپاه مهاجم غافلید.

**«وَطَمَعُكُمْ فِي مَنْ لَيْسَ يُمْهِلُكُمْ»[[19]](#footnote-19)** چطور به بقاء و جاوید ماندن در این دنیا و نجات از دست ملک الموتی که به شما مهلت نخواهد داد، طمع بستید. چه امیدی بسته‌اید وقتی که فرمان مرگ آمد. ملک الموتی که سلیمان با آن شکوه مادی و معنوی را ایستاده قبض روح می‌کند. مهلت نشستن به او نمی‌دهد. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: شما را به یاد مرگ و دوری از غفلت از مرگ دعوت می‌کنم و در شگفتم از شما که چگونه از مرگی که غافل از شما نیست، غفلت می‌ورزید و دل به مهلت عزرائیلی می‌دهید که وقت صدور فرمان خدا، ایستاده‌ای را مهلت نشستن نمی‌دهد. نشسته‌ای را فرصت برخاستن نمی‌دهد. مهلت وداع با اهل و خویشان به شما نمی‌دهد. فرمان خدا که آمد آن قدر قاطع و منجز است که با یک چشم بر هم زدن طومار شما را در هم می‌پیچد.

## عبرت از مرگ دیگران

**«فَكَفَى وَاعِظا بِمَوْتَى عَايَنْتُمُوهُمْ»** آیا برای شما مردگانی که هر روز جلوی چشم شما می‌میرند، کافی نیست؟ تشییع جنازه می‌شوند؛ در قبر گذاشته می‌شوند؛ خاک بر جسم و جسد آن‌ها ریخته می‌شود و منسی این عالم می‌شوند، کافی نیست؟! شگفتا چگونه شما غافلید از چیزی که از شما غافل نیست. طمع بستید به عزرائیلی که به سلیمان هم مهلت نمی‌دهد. آیا موعظه‌گری جنازه‌هایی که هر روز جلو چشم شما تشییع می‌شوند، کافی نیست؟ ندیدید که چگونه جنازه‌ها به سمت قبرها برده می‌شوند. نه با پای خود بلکه به دست دوستانشان به خاک سپرده می‌شوند؛ به دست عزیزانشان در زیر انباری از خاک پنهان می‌شوند، کافی نیست؟! این موعظه‌ها نباید ما را بیدار کند؟

## مردگان بی‌اختیار

**«حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ، وَاءُنْزِلُوا فِيها غَيْرَ نَازِلِينَ»[[20]](#footnote-20)** با پای خودشان نرفتند. ندیدید که چگونه افرادی از پیشینیان، جلوی چشمانتان بدون مهلت عزرائیل نفسشان را گرفت؟ با پاهای از کار افتاده به سمت قبر رفتند و نمی‌بینید که چگونه فراموش می‌شوند تا آن‌جا که گویا اصلا در دنیا نبوده‌اند؟ یک لحظه به قبرستان بروید و از اجداد و نسل‌های پیشین خود اطلاعی کسب کنید. حتی از قبرشان هم نام و نشانی وجود ندارد. قبرشان هم که باشد خودشان تمام شدند.

## مردگان بی‌نام و نشان

**«فَكَأنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَّارا»[[21]](#footnote-21)** گویا اصلا در این دنیا نبوده‌اند؛ دنیایی آباد نکرده‌اند؛ خانه‌ای نداشتند و کسی را نداشتند. این طور در تاریخ، محو شدند و تمام شدند. **«وَكَأنَّ الاّْخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارا»** و گویا همیشه آن‌جا بودند و اصلا اینجا نیامدند. اینقدر این عالم مادی کوچک و نازل و پست است که گویا نیامدند. گویا اینجا نبوده‌اند. نامی، نشانی، اثری از آن‌ها باقی نمانده است. سلیمان‌ها، داودها، انبیاء، پادشاهان، قدرتمندان، شخصیت‌ها، کوچک‌ها، بزرگ‌ها، قافله‌های بزرگ بشری آمدند و رفتند و گویا امروز همه‌ی آن‌ها هیچ وقت به این دنیا نیامدند و همیشه در پیشگاه خدا بودند.

## آبادانی‌ها و عزیزان وحشتناک

**«أوْحَشُوا مَا كَانُوا يُوطِنُونَ، وَأوْطَنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ»[[22]](#footnote-22)** جایی که مایه‌ی چشم و چراغ و روشنی چشم‌ها بود، امروز موجب وحشت شما می‌شود. مرده‌ای که تا دیروز به او علاقه می‌ورزیدید اگر بعد از مردن دو روز در خانه بماند، پوسیده و موجب وحشت شما می‌شود. به جای آن خوشی‌ها، وحشت‌ها آمد. از جایی که می‌ترسیدند، ساکن شدند. همه‌ی ما از زیر خاک می‌ترسیم؛ ولی بعدها در زیر همان خاک، مسکن خواهیم گزید.

**«وَاشْتَغَلُوا بِمَا فَارَقُوا، وَأضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا. لاَ عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالا»[[23]](#footnote-23)** رفتند و اثری از آن‌ها باقی نماند. اثری از شکوه و جلال دنیا، از فقر و غنای دنیا، باقی نماند. خدایا به مقربان درگاهت به عظمت مولا امیرالمؤمنین به ما توفیق فهم این سخنان و عمل به این دستورات نورانی کرامت و عنایت بفرما.

## ارزیابی شخصی همه‌ی مومنین در آخر سال

شهادت امام عسکری سلام الله علیه را تسلیت عرض می‌کنم و در آخرین جمعه‌ی سال هشتاد و شش توصیه‌ی من، توجه به همین فرمایش‌هایی است که امیرالمؤمنین(ع) داشتند. هر فرصتی که فراهم شد، خویشتن‌شناسی مجددی کنیم. دوباره خودمان را ارزیابی کنیم. وضعیت روحی و روانی و شخصیتی خودمان را مورد بازنگری قرار دهیم. آن فرصت خوبی است. یکی از فرصت‌ها هم آخر سال است. آخر سال، خوب است کارمندان و مسئولین ما خودشان را یک ارزیابی کند. آیا به قول‌هایی که داد عمل کرد یا نه؟ آیا به تعهداتی که در برابر خدا و برای خدمت به خلق خدا داشت، عمل کرد یا نه؟ و یک نگاهی هم همه‌ی مردم و همه‌ی ما به خودمان داشته باشیم که ما در سال هشتاد و شش که بودیم و چه کردیم؟ از لحاظ معنوی و اخلاقی چه دست‌آوردی سال گذشته برای ما داشت؟ چه توشه‌ای برگرفته‌ایم؟ آیا ما و خانواده‌ و جامعه‌ی ما به سمت خدا گامی برداشت یا معاذالله به سوی شیطان گام برداشتیم؟

## عید، روز بدون گناه

روزی که دل ما منزل و جایگاه و مرتع شیطان شود و چراگاه مفاسد شیطانی و هواهای نفسی و هوای شیطانی شود، آن روز عید نیست. آن روز، روز ذلت و عزای ماست ولو ما نفهیمم. گاهی انسان نمی‌فهمد؛ این خیلی چیز عجیبی است. گاهی عزادار و ماتم زده‌ایم اما نمی‌دانیم. چه ماتمی بالاتر از این که یک سال از عمر من و شما بگذرد؛ از این سرمایه‌ی گران قیمت الهی، عبور کند ولی این پرونده تاریک و سیاه باشد. باید به خدا پناه برد و از خدا کمک خواست.

راه، راه پرخطری است. مسیر حساسی است. شیطان‌های بیداری در کمین ما نشسته‌اند. انسان‌ها و شیطان‌های خطرناکی در صدد گمراهی و ضلالت ما هستند. آیا سال هشتاد و شش ما بر معارف دینی‌مان افزوده شد یا نه؟ آیا در سال هشتاد و شش قدمی به سمت خدا برداشتیم یا نه؟ آیا در سال هشتاد و شش به تکالیف دینی‌مان عمل کردیم یا نه؟ آیا در سال هشتاد و شش مسائل اخلاقی خودمان را اصلاح کردیم یا نه؟ این‌ها سوالات اصلی آخر سال است. آخر هفته و آخر روز است. من چه کسی هستم؟ چه کسب کردم؟ این عمر را کجا هزینه کردم؟ با شیطان چگونه عمل کردم؟ با خدا چگونه رفتار کردم؟ حقوق بدنی، اجتماعی، اخلاقی، مالی خودم را پرداختم یا نه؟ به تکالیفم عمل کردم یا نه؟ این‌ها سوال‌های اصلی است. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: **«كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمُ عِيد»[[24]](#footnote-24)** هر روزی که خدا در او گناه نشود، مرزهای دستورات خدا زیر پا گذاشته نشود، از فرمان الهی اطاعت شود آن روز روز عید است.

## عید، روز نو شدن

عید برای تازه شدن و نو شدن است. بیش از هر چیزی ما باید از نظر روحی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی نو شویم. این نو شدن به ارزیابی گذشته است. پرونده‌های خود را ورق بزنیم؛ این یعنی آخر سال. این یعنی آغاز سال. این تعالیم نورانی که شما در نهج البلاغه چند سطر از آن را شنیدید، همین سطور کافی است که آدم‌های متنبه را عوض کند. همین کافی است که انسان‌ها را دگرگون کند؛ انسان‌ها را بیدار کند. آغاز سال و اول سال اولین توصیه‌ای که باید کرد، توصیه اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و فکری و معنوی است. ارزیابی گذشته، نگاهی به آینده.

## خودارزیابی سال گذشته‌ی مسؤولین

مسؤولان و مدیران و کسانی که وظیفه‌ی آن‌ها خدمت به خلق خداست و این وظیفه‌ی الهی آن‌هاست باید یک نگاهی به گذشته کنند؛ ارزیابی کنند؛ بررسی کنند، قوت‌ها و ضعف‌های خود را بشناسند و یک نگاهی هم به آینده و افق‌های بلندتر و دوردست داشته باشند.

## ارزیابی شخصی همه‌ی مؤمنین

یک توصیه‌ی عام هم برای همه‌ی ماست که برویم زندگی اخلاقی و معنوی و روحی و شخصیتی خود را واکاوی کنیم؛ بازشناسی کنیم. به خود و خانواده‌ی خود دقت کنیم. ببینیم آنچه که به روح و روان و آینده‌ی معنوی‌ ما بر می‌گردد، چه بوده؛ چه کردیم. جواب همین سوالاتی که عرض کردم را بدهیم. اگر دنبالش رفتیم آن وقت حتی بنشینید یک گوشه‌ای یک قلم و کاغذ بردارید و روی کاغذ بیاورید. این‌ها انسان را جلو می‌برد. یک دفتر بردارید بین خودتان و خدا خلوت کنید. هیچ کسی هم نباشد، یک لیست برای کارهای خوبی که کردید و یک لیست هم برای کارهای بدی که کردید. کلاه هم سر خودمان نگذاریم. ببینیم در اعماق وجودمان، چه خبر است؟ بعد این خوبی و بدی‌ها را کنار هم بگذارید و یک چشم‌اندازی برای آینده ترسیم کنید.

این معنای و پیام عید است. همیشه این پیام هست. هر روز و هر شب خودت را محاسبه کن. هر شب این برنامه را اجرا کن. حالا ما سالی یک بار هم با نگاه کلی و کلان هم در حوزه‌ی کارهای اجتماعی و مسئولان و کارکنان و مدیران و کارمندان باید انجام بدهند. این یک مطلب است.

## دوری از خرافات و پایبندی به آداب و رسوم مورد پسند اسلام

مطلب دوم در پایان سال و در آستانه‌ی سال جدید، آداب و رسوم خوب و گاه ناپسندی وجود دارد. آداب‌های ناپسند و خرافی و موهوم را باید کنار گذاشت. اما یک آداب خوبی است که اسلام همیشه به آن ترغیب کرده است. تعطیلاتی هم پیش می‌آید که فرصت برای بروز این کارهای خوب است. اینها چیزهای خوبی است. صله‌ی رحم است. سرزدن به خویشان، به دوستان است. کنار گذاشتن کینه‌ها و عداوت‌هاست. اگر با کسی قهر هستید آن قهر را کنار بگذارید. اگر کینه‌ای دارید آن را بشویید. سری به اقوام و خویشان زدن از کارهای بسیار مهمی است که در هر فرصتی خوب است؛ در این فرصت هم خوب است. سفر و تفرجی که با موازین اسلامی همراه باشد، کار خوبی است؛ اسلام هم آن را قبول دارد و توجه کردن به آن هم خوب است.

## ویژگی‌های جامعه‌ی زنده و مرده

از همه‌ی این‌ها مهمتر توجه به مستمند، یتیمان و بیماران است. توجه به کسانی است که در بیمارستان‌ها هستند؛ در مراکز نگهداری هستند؛ عقب افتاده هستند؛ معلول اند؛ مشکلی دارند؛ فقری با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. این‌ها از جمله‌ی وظایف ماست. یکی از بهترین مواقع، همین ایام است. جامعه‌ی زنده، جامعه‌ی الهی، جامعه‌ی دینی، جامعه‌ای است که مانند بدن انسان، اگر برای یک سلول مشکلی پیش بیاید، همه‌ی سلول‌ها بسیج می‌شوند تا از این بدن دفاع کنند. یک گوشه‌ی بدن که مهاجمی به او هجوم می‌برد، همه‌ی تجهیزات بدن، همه‌ی سلول‌ها و سیستم دفاعی، برای اینکه این بدن را سالم نگه دارد از بدن دفاع می‌کنند. جامعه هم باید این گونه باشد. جامعه‌ای که از بیماران، از خویش و قوم خود، از نیازمندان شهر، از بیمارستان و معلوان خود بی اطلاع است و عکس العمل درستی نشان نمی‌دهد، جامعه‌ای مرده است.

جامعه‌ی زنده، اهل تعاون است؛ اهل تکافل است. فرصت عید را فرصتی برای دوستی‌ها، محبت‌ها، صفا، صمیمیت و خودسازی و توجه به دیگران قرار می‌دهد. این‌ها توصیه‌های مهمی است که ما در ایام عید باید به آن توجه کنیم. مهمان نوازی و توجه به مهمان‌هایی که به خانه و به شهر خود می‌آید و توجه به آن امور و حفظ موازین و ارزش‌های اخلاقی و معنوی و الهی. اینها هم توصیه‌هایی است که شما به آن متذکرید و به آن آشنایید و من هم یادآوری کردم که همه‌ی ما در این ایام به این امور توجه کنیم ان شاء الله.

## اهمیت انتخابات مجلس شورای اسلامی

اما نکته‌ی دیگری هم که باید تأکید کنم این است که امروز، از روزهای بسیار مهم در تاریخ ماست. مهم نیست که به چه کسی رای می‌دهید؛ چه کسی برگزیده می‌شود. از آن بسیار مهم‌تر این است که ایران در دنیا احساس اقتدار کند. این نیاز امروز ماست. سرمایه‌ی ملی امروز ماست. بدانید دشمنان این ملت، رقیبان این ملت، دوستان این ملت، همه به دستان شما چشم دوخته‌اند که رای به صندوق می‌اندازید، این را مطمئن باشید. اگر روزی توپ و تانک و سلاح اتمی، منبع اقتدار یک ملت بود، امروز صندوق رای، حضور در پای صندوق رای، برگزیدن هر کسی که مورد علاقه‌ی شما هست و تشکیل مجلس قوی و محکم و استوار، این منبع و منشأ اقتدار ملت و کشور است. کسانی که تا نیمه‌ی امروز به وظیفه‌ی خود عمل کردند، طوبی لهم. آفرین بر آن‌ها. اما فرصت‌های باقیمانده را باید غنیمت شمرد. نه خود شما، بلکه دست هر کسی را باید بگیرید و به سمت صندوق‌های رای ببرید. عزت ما، اقتدار ملی ما، شکوه و عظمت کشور ما در دنیا، پیشبرد آرمان‌های بزرگ انقلاب و اسلام و امام، همه در گرو این است که رای گیری، قوی و با شکوه انجام شود و انتخابات خوب برگزار شود. البته ملت ما نشان داده است که این فهم و بصیرت و رشادت را دارد، این را ملت ما بارها نشان داده، امروز هم به فضل الهی علی رغم آرزوهای بوش و تبهکاران کاخ سفید، علی رغم بدخواهان این ملت، به فضل الهی نشان خواهد داد. جوانان این ملت نشان خواهند داد؛ مردان و زنان این ملت نشان خواهند داد؛ طبقات گوناگون این ملت نشان خواهند داد که ملت ایران زنده است؛ آگاه است؛ هوشمند است و صندوق رای را پاس می‌دارد و با حضور خود در انتخابات، یک نمایش جدیدی از اقتدار و عظمت و شکوه اسلامی و دینی و ملی را ان‌شاءالله به نمایش خواهد گذاشت.

## دعا

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دلهای ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر (عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[25]](#footnote-25)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی صافات، آیه‌ی 79. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی هود، آیه‌ی 42. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی هود، آیه‌ی 46. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی توبه، آیه‌ی 114. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی هود، آیه‌ی 46. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی توبه، آیه‌ی 114. [↑](#footnote-ref-13)
14. . همان. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-16)
17. . نهج‌البلاغه، خطبه‌‌ی 188، ص 279. [↑](#footnote-ref-17)
18. . همان. [↑](#footnote-ref-18)
19. . همان. [↑](#footnote-ref-19)
20. . همان. [↑](#footnote-ref-20)
21. . همان. [↑](#footnote-ref-21)
22. . همان. [↑](#footnote-ref-22)
23. . همان. [↑](#footnote-ref-23)
24. . بحار الانوار، ج 88، ص 136. [↑](#footnote-ref-24)
25. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-25)